

نظریه‌ی زمینه‌ای درباره‌ی علل اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان

پروانه دانش^۱، امیر ملکی^۲، زهره نیازی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۹/۱۰

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر یک آسیب اجتماعی است که ویرانگری‌های حاصل از آن زمینه‌ساز سقوط بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی است. این معضل تا چندی پیش خاص مردان تلقی می‌شد؛ اما اخیراً زنان را نیز درگیر کرده است. از آن‌جا که پیامدهای اعتیاد زنان بر جامعه بسیار ناگوارتر از پیامدهای اعتیاد مردان است، پژوهش در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس در این تحقیق سعی شده است عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان تحلیل و بررسی شود. پژوهش با روش نظریه‌ی داده بنیاد صورت گرفته است که از دسته‌ی پژوهش‌های کیفی است. به این منظور ۳۰ نفر از زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان با روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند و مصاحبه‌های عمیق با آنان انجام شد. نتایج به دست آمده بیان‌کننده‌ی این است که سابقه‌ی مصرف مواد در خانواده، نوع منطقه‌ی محل سکونت، تنش در زندگی و ارتباط با دوستان معتاد، از شرایط علی اثرگذار و وجود فرزند، پایگاه اقتصادی اجتماعی و روابط نامناسب خانوادگی از شرایط میانجی مؤثر بر پدیده‌ی مصرف مواد مخدر در زنان است. پیامدهای حاصل از این پدیده بر زنان معتاد شامل: اشتغال به کار در مشاغل پایین و کم درآمد، ارتکاب انحرافات اجتماعی، نامناسب شدن روابط خانوادگی، مشکلات جسمی و روحی و مجازات زندان به دنبال انجام انحرافات اجتماعی بوده است که هر کدام پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری به همراه خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: اعتیاد، زنان معتاد، زندان مرکزی اصفهان، نظریه‌ی زمینه‌ای

P_danesh @ pnu.ac.ir

malekipnu@gmail.com

zohreh.niazi@yahoo.com

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسؤول)

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

مقدمه

استفاده از مواد مخدر، استعمال تفننی و حتی خوگیری به آن تاریخی طولانی دارد. اما استعمال آن در روزگار کهن به شکل کنونی مسأله برانگیز نبوده و تباهی جامعه‌ی بشری را به دنبال نداشته است. سوغات اعتیاد برای جوامع بشری، قیافه‌های پژمرده و افسرده، چشمان به گودی نشست، خانواده‌های از هم پاشیده، کودکان مجرم، سرقت، بزهکاری، خودکشی، فحشا، تجاوز، فقر و ... است. شاید روزگاری این معضل، خاص مردان و یا جوانان بود. اما امروزه یکسان شدن نقش زنان و مردان در پدیده‌های اجتماعی به دلیل دور شدن از شیوه‌ی زندگی سنتی، رشد شهرنشینی و صنعت، رشد جنبش‌های اجتماعی زنان، اشتغال به کار زنان در بیرون از خانه و در نتیجه اختلاط بیش‌تر زنان و مردان باعث شده است که زنان نیز همانند مردان تحت تأثیر پدیده‌های اجتماعی که اعتیاد از جمله‌ی آن است قرار بگیرند.

روند رو به رشد زنان وابسته به مواد در سراسر جهان یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از ربع آخر قرن بیستم، نمایان شده است. ایران نیز از این تحول جهانی مصون نمانده است. از این رو برای پیشگیری از افزایش اعتیاد در زنان و ارائه‌ی راهکارهایی برای آن، انجام پژوهش‌هایی در این خصوص ضرورت دارد. پژوهش حاضر نیز به دنبال این هدف به بررسی علل اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان پرداخته است.

در سال ۱۹۵۰ سازمان ملل متحد تعریف زیر را برای اعتیاد به مواد مخدر ارائه کرد: اعتیاد به مواد مخدر عبارت است از مسمومیت تدریجی یا حادی که به علت استعمال مداوم یک دارو اعم از طبیعی یا ترکیبی ایجاد می‌شود و به حال شخص یا اجتماع زیان آور باشد (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۸۸). از آن‌جا که پدیده‌ی اعتیاد آسیب جدی بر پیکر خانواده و اجتماع وارد می‌کند و علت ایجاد کجروی‌هایی چون ولگردی، تکدی‌گری، سرقت، انحرافات جنسی و خود فروشی (درمورد زنان) و ... است، به عنوان مسأله‌ی اجتماعی تلقی می‌شود.

راب^۱ و سلزنیک^۲ مسأله‌ی اجتماعی را چنین تعریف کرده‌اند: مسأله‌ای ناشی از روابط انسانی است که خود جامعه را به‌طور جدی تهدید می‌کند و یا تحقق تمنیات مهم مردم بسیاری را مانع می‌شود (مظلوم خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۸). بر این اساس اعتیاد یک مسأله‌ی

1-Rabb

2- Selznick

اجتماعی است و زنان نیز به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه به شکل مستقیم و غیر مستقیم با آن درگیر می‌شوند. بر پایه‌ی گزارش اداره‌ی مواد و جرایم سازمان ملل نسبت زنان در جمعیت مصرف‌کننده‌ی مواد از ۱۰ درصد در کشورهای آسیایی تا ۴۰ درصد در کشورهای اروپایی تخمین زده شده است، بنابراین با در نظر گرفتن ۱۶ تا ۳۸ میلیون مصرف‌کننده‌ی مواد در جهان، تعداد زنان مصرف‌کننده‌ی مواد، قابل توجه است (رحیمی موقر و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷). بر اساس گزارش‌های آماری سازمان بهزیستی در سال‌های اخیر ۲ تا ۶ درصد از مراجعه‌کنندگان به مراکز درمانی معتادان را زنان تشکیل می‌دهند (گروسی، ۱۳۹۰: ۵۶). در یک پژوهش توصیفی، مقطعی که به بررسی اعتیاد در زنان معتاد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد تهران در سال ۸۴-۸۵ پرداخته بود، از تعداد ۲۱۰۰ نفر معتاد ارجاعی به مراکز تحت مطالعه، زنان، ۸/۵ درصد کل مراجعین را تشکیل می‌دادند (نجاری، ۱۳۸۶: ۴۵۸). اعتیاد به خودی خود جنسیت ندارد، اما از یک سو تأثیرات مخرب‌تری که بر بدن زنان دارد و پیامدهایی که به آن اشاره خواهد شد و از سوی دیگر شرایط اجتماعی موجود در رابطه با زنان معتاد باعث افزایش حساسیت در زنان می‌شود.

پیامدهای اعتیاد در زنان را می‌توان از جنبه‌های مختلف مد نظر قرارداد. پیامدهای فردی شامل: ابتلا به بیماری‌های جسمی، روانی، پیامدهای خانوادگی شامل: کاهش فرصت ازدواج، طرد از خانواده، عدم ایفای نقش مادری، ایجاد نسل معتاد، عدم نظارت بر رفتار فرزندان، احتمال ابتلا افراد خانواده (همسر، فرزندان) به بیماری ایدز و هپاتیت و پیامدهای اجتماعی شامل: ارتکاب انواع جرایم اموال و اخلاق مانند: روسپیگری، دزدی و... (قاسمی روشن، ۱۳۸۰: ۱۳). هم‌چنین بنا به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی کشور ما در منطقه، به زنان معتاد عمدتاً به چشم افراد بی بند و بار و بی‌عفت نگریسته می‌شود (آجیل چی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۵). تحقیقات نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورهای آمریکایی و آفریقایی نیز زنان مصرف‌کننده‌ی مواد، هیولا خوانده می‌شوند و از نظر مردان سزاوار تجاوز هستند (الرسون^۱، ۲۰۰۸). ناهنجاری‌های مصرف مواد در زنان بیش از مردان موانعی ایجاد می‌کند که بر دسترسی آن‌ها به درمان تأثیر می‌گذارد. (تاچمن^۲، ۲۰۱۱) هم‌چنین فقر و وجود سابقه‌ی اعتیاد در افراد مهم خانواده و خشونت خانگی از آسیب‌های اجتماعی همراه در زنان حامله‌ی

مصرف‌کننده‌ی مواد گزارش شده است (هارینگتون^۱، ۱۹۹۹). بنابراین باید به علل اعتیاد زنان پی‌ببریم تا بتوانیم راه‌های درمانی مناسب برای آنان در نظر بگیریم.

تحقیقات انجام شده درباره‌ی علل اعتیاد زنان اندک است و مطالعات موجود بیش‌تر این معضل را در مردان بررسی کرده است. با توجه به این‌که سوء مصرف مواد مخدر در زنان الگویی متفاوت از مردان دارد و پیامدهای ناگواری، ناگواری‌تر از پیامدهای اعتیاد مردان در بر خواهد داشت، ضروری است که پژوهشگران و مسؤولان امر توجه بیش‌تری به زنان معتاد که اکنون روز به روز بیش‌تر به جرگه‌ی اعتیاد می‌پیوندند، مبذول دارند. در این میان شهر اصفهان به دلیل قرار گرفتن در مرکز ایران مسیر مناسبی برای ترانزیت مواد به سوی پایتخت و دیگر استان‌های کشور است. هم‌چنین این شهر در ردیف شهرهای بزرگ صنعتی کشور است؛ بنابراین حاشیه‌نشینی و ایجاد مناطق فقیرنشین در اطراف شهر به دلیل مهاجرت مهاجران جویای کار در گسترش معضل اعتیاد مؤثر است. طبق گفته‌ی مدیر کل بهزیستی استان اصفهان دو درصد جمعیت این استان معتاد هستند و از هر صد نفر معتاد در سطح استان هشت نفر از بانوان و نود و دو نفر از آقایان می‌باشند (اصفهان فردا، ۲۲ آبان ۱۳۹۱).

بنابراین، تحقیق حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان انجام شده است؛ به امید این‌که بتواند مقدمه‌ای برای تحقیقات بیش‌تر در آینده باشد و کمکی هر چند اندک در این زمینه به جامعه بشری کند.

ادبیات نظری و تجربی

در پژوهش کیفی مفاهیم نظری و تجربی برای افزودن داده‌های زمینه‌ای، مقایسه و تعمیم یافته‌ها استفاده می‌شود.

نظریاتی که در این پژوهش در بخش تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت شامل موارد زیر است:

نظریه‌های ساختارگرا: این دسته از نظریه‌ها انحراف را به برخی شرایط ساختاری خاص در جامعه هم‌چون قدرت جامعه در کنترل افراد و تنظیم خواسته‌ها و تمایلات آنان و تعیین

یک دسته از اهداف به عنوان اهداف مقبول و ایجاد رقابت میان افراد و پایگاه افراد در ساختار اجتماعی و ... مربوط می‌کند (موسی نژاد، ۱۳۸۷: ۶۸).

در این قسمت به نظریه‌ی آگنیو و آنومی دورکیم اشاره می‌شود. از نظر آگنیو جرم نوعی سازگاری با تنش صرفه‌نظر از منبع آن تنش است. از جمله مواردی که او بیان می‌دارد این است که مواجهه‌ی فرد با رویدادهای تنش‌زای زندگی مثل از دست دادن کسی یا چیزی که ارزش زیادی دارد و همچنین رویدادهای تنش‌زایی که در اثر اعمال منفی دیگران ایجاد می‌شود، مثل در معرض سوء رفتار قرار گرفتن، از عوامل ایجادکننده‌ی کج‌روی است (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۳۳). دورکیم معتقد است با از هم پاشیدگی هنجارها یک وضعیت آرزوهای بی‌حد و حصر و آنومی پیش می‌آید و از آن‌جا که این آرزوها نمی‌توانند ارضا شوند، در نتیجه یک نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید که این نارضایتی‌ها در جریان اقدامات اجتماعی منفی، مانند: خودکشی، تبه‌کاری، طلاق و ... ظاهر می‌شود (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۳۴).

نظریه‌های خرده فرهنگ‌گرا: این دیدگاه بر آن است که خرده فرهنگ‌های متعدد موجود در جامعه سبب ایجاد ارزش‌ها و هنجارهایی می‌شوند که به دلیل عدم هم‌خوانی با هنجارهای مسلط در جامعه، رفتارکردن بر اساس آن‌ها انحراف محسوب می‌شود. نظریه‌ی آبرت کوهن، و کلواردو اهلین در این دسته قرار می‌گیرد (موسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۸۲). به‌عنوان مثال کوهن مدعی است فرزندان طبقات محروم برای جبران ناکامی خود در رقابت برای دستیابی به منزلت افراد طبقات متوسط «خرده فرهنگ» بزه‌کاری تأسیس می‌کنند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۵).

دیدگاه بوم‌شناسی مکتب شیکاگو: اعضای مکتب شیکاگو اعتقاد داشتند که در اثر توسعه‌ی شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به‌وجود می‌آید، که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارند. برخی از این مناطق گرفتار فقر شدید هستند و به دلیل اجاره‌های پایین، گروه‌های مختلف قومی و نژادی را جذب خود می‌کنند. این نواحی دارای میزان بالای جرم هستند. آنان عامل اصلی افزایش انحراف در این ناحیه را ضعف کنترل اجتماعی به واسطه‌ی جابه‌جایی سریع و شدید جمعیت و مهاجرت می‌دانند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

نظریه‌های یادگیری اجتماعی: بر طبق این نظریه‌ها، انحراف امری آموختنی است. دیدگاه ساترلند و آکرز در این دسته قرار دارد. ساترلند معتقد است که کج رفتاری یادگرفتنی است نه

ارثی(صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۱) و بخش عمده‌ای از یادگیری رفتار انحرافی در فرآیند ارتباطات گروه‌های صمیمی و کوچک مثل گروه دوستان و خانواده اتفاق می‌افتد (گروسی، ۱۳۹۰: ۶۰). آکرز نیز معتقد است که انحراف اگر سودمند و پاداش ده تلقی شود، همین امر انگیزه‌ای برای انحراف مجلد می‌شود (موسی نژاد، ۱۳۸۷: ۹۹).

نظریه‌های کنترل: این دسته بیان می‌کنند که افراد صرفاً به این دلیل، مرتکب انحراف نمی‌شوند که جامعه آن‌ها را کنترل می‌کند (همان). نظریه‌های هیرشی و نای در این دسته قرار می‌گیرد. هیرشی علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آن‌ها دانسته است. وی مدعی است که تعلق خاطر (پیوستگی فرد به گروه یا فرد به واسطه‌ی عاطفه، احترام و سازگاری با هنجارهای گروه)، پایبندی (هم‌نوایی با جامعه برای حفظ دستاوردهای خود مثل تحصیلات و ثروت)، در گیر شدن به فعالیت‌های فیزیکی غیرمنحرفانه و اعتقاد شخص به نظام ارزشی غالب در یک گروه مانع کج رفتاری می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۶۰). نای نیز معتقد است، خانواده‌هایی که پر از تشنج و اختلاف باشند، می‌توانند نقش مهمی در کج رفتاری نوجوانان ایفا کنند (خادمیان، ۱۳۸۸: ۲۰).

در ادامه تعدادی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیان می‌شود:

رحمتی در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر در شروع مصرف مواد مخدر با اشاره به وضعیت معتادان زن که به بررسی میان جمعیت نمونه‌ی ۱۰ استان کشور بر روی ۱۴۵۶ نفر معتاد و به شکل تحلیل ثانویه انجام داده، علت شروع مصرف مواد مخدر را به ترتیب کنجکاو، کسب لذت، مشکلات خانوادگی، فشار دوستان، در دسترس بودن مواد مخدر، کمبود عاطفی، درمان دردهای جسمانی، عدم کنترل خانواده، بی‌کاری و شکست عشقی ذکر کرده‌اند. (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸: ۱۱) در تحقیقی که با عنوان علل گرایش زنان به اعتیاد در استان کرمان به اجرا درآمده است، میان پایگاه اقتصادی اجتماعی، میزان تحصیلات، وضعیت شغلی، مصرف مواد توسط یکی از اعضای خانواده، اعتیاد والدین یا همسر زنان و از هم گسیختگی خانواده به عنوان متغیرهای مستقل و گرایش زنان به اعتیاد به عنوان متغیر وابسته رابطه‌ی معنی‌داری به دست آمده است. در تحقیق دیگری که توسط طلیعه خادمیان و زهرا قناعتیان با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر مراکز بازپروری و کاهش آسیب زنان شهر تهران انجام شد، از هم گسستگی خانوادگی زن و

شوهری، از هم گسستگی خانوادگی پدر و مادری، نابسامانی خانواده‌ی زن و شوهری، پایگاه اقتصادی اجتماعی، در دسترس بودن مواد مخدر و اعتیاد اعضای خانواده از عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر بوده است (همان: ۲۵). لیووی^۱ بر اساس تحقیقاتی که انجام داد، دریافت نوجوانانی که دچار کشمکش خانوادگی هستند، احتمال این‌که مواد مخدر مصرف کنند، بیش‌تر است (میری آشتیانی، ۱۳۸۵: ۳۸). پیرصالح در پژوهشی با عنوان بررسی علل اقتصادی، اجتماعی و روانی گرایش زنان به اعتیاد در میان گروهی از زنان مجتمع شبه خانواده شفق که آن را بر روی ۵۰۰ نفر از زنان معتاد در این مجتمع انجام داده است، بیان داشته که مسأله مهاجرت، طلاق، نداشتن شغل ثابت، اعتیاد زن و شوهر، تنها زندگی کردن، خانوادگی از هم پاشیده، فقر مالی، سود اندک، محل سکونت، معاشرت نامناسب، ناراحتی جسمی و مرگ عزیزان مهم‌ترین علل اعتیاد است (خادمیان، ۱۳۸۸: ۱۲).

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به چهار پرسش اصلی است که عبارتند از:

- ۱- چه شرایطی در پدید آمدن و گسترش مصرف مواد مخدر در زنان اثرگذار بوده است؟
- ۲- چه عوامل مداخله‌ای باعث تداوم مصرف مواد مخدر در زنان می‌شود؟
- ۳- مشارکت‌کنندگان در برابر پدیده‌ی مصرف مواد چه راهبردهای رفتاری به‌کار می‌برند؟
- ۴- پیامدهای تداوم مصرف مواد بر مشارکت‌کنندگان پژوهش چه بوده است؟

روش‌شناسی مطالعه

مطالعه‌ی حاضر با رویکرد کیفی انجام شده است. پژوهش کیفی یک رویکرد طبیعت‌گرایانه است که در پی درک پدیده‌ی مورد مطالعه در همان زمینه و محیط خاص از قبیل محیط جهان واقعی است (پاتون^۲، ۲۰۰۲). هم‌چنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نظریه‌ی زمینه‌ای^۳ به‌کار گرفته شده است. نظریه‌ی زمینه‌ای عبارت است از شیوه‌ی پژوهش کیفی که مجموعه‌ی منظمی از روش‌های کیفی را برای دستیابی به نظریه‌ای در زمینه‌ی پدیده‌ای به

1- lobovy

2- Patton

3 - Ground theory

شیوه‌ی استقرایی مورد استفاده قرار می‌دهد (منصوریان، ۱۳۸۱: ۱۵۳). تفاوت عمده‌ی نظریه‌ی زمینه‌ای با سایر رویکردهای پژوهش کیفی، تأکید آن بر شکل دهی یا تدوین تئوری است (علی اکبری، ۱۳۸۶: ۵۲).

سه عنصر اصلی نظریه‌ی داده بنیاد، عبارتند از: مفاهیم^۱، مقوله‌ها^۲ و گزاره‌ها^۳. مفاهیم، واحدهای اصلی تحلیل را تشکیل می‌دهند. رسیدن به نظریه‌ی نتیجه‌ی مفهوم‌سازی از داده‌هاست. عنصر دوم نظریه‌ی داده بنیاد، مقوله‌ها هستند. مقوله‌ها در حقیقت حاصل گروه‌بندی مفاهیم هستند. سومین عنصر نظریه‌ی بنیانی گزاره‌ها هستند. گلاسر و اشتراوس^۴ در کتاب کشف نظریه‌ی بنیانی (۱۹۶۷) گزاره‌ها را نوعی فرضیه تلقی کرده‌اند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۵۴).

برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق حاضر از مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته استفاده شد. نگارنده بعد از انجام مراحل قانونی به بند نسوان زندان مرکزی اصفهان مراجعه کرد. مسئول آن بخش زنان معتاد را شناسایی و پس از کسب رضایت آنان را به پژوهشگر معرفی کرد. پژوهشگر با جلب رضایت و اعتماد آنان برای همکاری صادقانه و بیان اهداف و ماهیت پژوهش و تأکید بر محرمانه و بی‌نام ماندن متن مصاحبه برای افراد نمونه، اقدام به انجام مصاحبه و در حین انجام مصاحبه، از گفتگوها یادداشت‌برداری کرد. هم‌چنین از نمونه‌گیری نظری برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. به این ترتیب با شروع اولین مصاحبه، اقدام به استخراج مفاهیم و مقولات شد و پس از ۲۷ مصاحبه اشباع نظری حاصل گردید. ولی محقق برای کسب اطمینان ۳ مصاحبه‌ی دیگر نیز انجام داد و در نهایت پس از مصاحبه با نفر سی‌ام، انجام مصاحبه‌ها پایان گرفت. برای بررسی مقبولیت و قابلیت پذیرش دیدگاه مشارکت‌کنندگان، متن مصاحبه‌ها به صورت تصادفی به تعدادی از نمونه‌ها داده شد، تا مشخص شود که تفسیر نتایج، مشابه نظر ایشان است. از روش بررسی قابلیت اطمینان نیز استفاده شد که طی آن متن مصاحبه‌ها و خلاصه‌ی آن به رؤیت همکار پژوهش و یک متخصص روش پژوهش کیفی رسید و اشکالات مربوط به جریان کدگذاری برطرف شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها هم از کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی استفاده شد.

1- Concepts
2- Categories
3- Conceptualizing
4- Glaser&straus

کدگذاری باز روند خرد کردن، مقایسه کردن، مفهوم‌پردازی و مقوله بندی کردن است (علی اکبری، ۱۳۸۶:۵۷). کدگذاری محوری، سلسله رویه‌هایی است که با آن‌ها پس از کدگذاری باز با برقراری پیوند میان مقولات، اطلاعات را به شیوه‌ی جدید با یکدیگر ربط می‌دهد. این کار با استفاده از یک پارادایم صورت می‌گیرد که اجزای تشکیل‌دهنده‌ی این پارادایم شامل پدیده‌ی محوری (واژه‌ای که به پرسش جریان چیست؟ پاسخ می‌دهد)، شرایط (مجموعه‌ای از حوادث که موقعیت و مسائل و امور مربوط به پدیده را خلق می‌کنند)، عمل/تعامل (اقداماتی که در نتیجه‌ی پدیده‌ی محوری رخ می‌دهند)، و پیامدها (که نتایج استراتژی‌های گرفته شده، توسط مشارکت‌کنندگان مطالعه است) است. کدگذاری گزینشی روند انتخاب مقوله‌ی اصلی به‌طور سیستماتیک و ارتباط آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی یا مقولاتی که نیاز به اصلاح و گسترش دارند، است (همان:۵۵). در تحقیق حاضر نیز با شروع انجام مصاحبه‌ها و در خلال آن گزاره‌های معنادار و سپس مفاهیم مربوط به آن‌ها مشخص شد و بعد از آن مفاهیم در مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. سپس با مقایسه‌ی مقوله‌ها آن‌ها در پنج دسته‌ی شرایط علی، شرایط مداخله‌ای، پدیده‌ی محوری، راهبردهای عمل/تعامل و پیامدها دسته‌بندی شدند و ارتباط میان این پنج دسته در مدل پارادایمی تحقیق مشخص شد. مدل پارادایمی تحقیق در ادامه خواهد آمد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

با توجه به یافته‌های تحقیق، پاسخ پرسش‌های پژوهش مورد نظر در زیر به تفکیک بیان شده است:

در پاسخ به این پرسش که چه شرایطی در پدید آمدن و گسترش مصرف مواد مخدر در زنان معتاد اثر گذار بوده است، به مقوله‌های زیر دست یافتیم:

۱- سابقه‌ی اعتیاد به مواد مخدر: این مقوله شامل کدهای مفهومی «مصرف مواد توسط اعضای خانواده‌ی پدری» و «مصرف مواد توسط شوهر» بود.

- صغری زنی ۳۵ ساله و مدت ۱۵ سال است که مواد مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «همه اعضای خانواده‌ام مواد مصرف می‌کردند. علاوه بر آن تو کار خرید و فروش مواد هم بودند.» مفهوم ← (مصرف مواد توسط اعضای خانواده).

۲- نوع منطقه‌ی محل سکونت: این مقوله به واسطه‌ی چهار مفهوم «خرید و فروش مواد در منطقه»، «دسترسی آسان به مواد مخدر در منطقه»، «فقیر بودن مردم منطقه» و «مهاجرپذیر بودن منطقه» به دست آمد. اظهارات زیر نمونه‌ای از صحبت‌های افراد پژوهش در این مورد است: -مرضیه ۲۸ ساله و مدت ۸ سال است که کراک و شیشه مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «خیلی از اونایی که توی منطقه‌ی ما زندگی می‌کنند، دستشون تو کار خرید و فروش ماده.» مفهوم ← (خرید و فروش مواد در منطقه).

۳- تنش در زندگی: این مقوله نیز از مفاهیم «تنش‌های ناشی از خانواده‌ی پدری» و «تنش‌های ناشی از زندگی زناشویی» استخراج شدند. تنش‌هایی که توسط زنان پژوهش شونده مطرح می‌شدند، شامل مرگ عزیزان، درگیری والدین، درگیری با شوهر، طلاق والدین یا طلاق از شوهر، تعدد ازدواج، شکست عشقی و ازدواج اجباری بوده است.

- فاطمه ۲۵ ساله است و مدت ۴ سال است که مواد مصرف می‌کند. او می‌گوید: «توی تصادف خانواده‌ام را از دست دادم. پدر و خواهر و برادرم فوت کردند و مادرم فلج شد. از اون به بعد مشکل روحی پیدا کردم. اول مواد را برای آروم شدن می‌کشیدم. بعد کم کم معتاد شدم.» مفهوم ← (مصرف مواد مخدر به دنبال مرگ عزیزان).

- ندا ۲۰ ساله و مدت ۲ سال است که تریاک و شیشه مصرف می‌کند. او می‌گوید: «پسرعموم را دوست داشتیم. وقتی اون با یکی دیگه ازدواج کرد، از خونه فرار کردم و درگیر دوستای خیابانی شدم. نشست و برخاست با اون‌ها باعث اعتیادم شد.» مفهوم ← (مصرف مواد مخدر به دنبال شکست عشقی).

۴- ارتباط با دوستان معتاد: مفاهیم مربوط به این مقوله شامل «شروع مصرف مواد در کنار دوستان معتاد»، «پناه بردن به دوستان معتاد، هنگام مصیبت» و «تهیه‌ی مواد توسط دوستان معتاد» بود.

۳-اکرم ۲۲ ساله است و مدت ۴ سال است که مواد مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «اولین بار مصرف مواد را در کنار دوستانم شروع کردم». مفهوم: ← (نقش دوستان در شروع مصرف مواد)

با توجه به مطالب قبلی چهار عامل سابقه‌ی اعتیاد به مواد مخدر در خانواده، نوع منطقه‌ی محل سکونت، تنش در زندگی، ارتباط با دوستان معتاد از شرایطی است که در پدید آمدن و گسترش مصرف مواد مخدر در زنان معتاد اثرگذار بوده است.

در پاسخ به این پرسش که چه عوامل مداخله‌ای باعث تداوم مصرف مواد مخدر در زنان می‌شود، از خلال صحبت‌های افراد مورد پژوهش مقوله‌های زیر به دست آمد:

الف- شرایط میانجی

۱- پایگاه اقتصادی، اجتماعی: این مقوله از مفاهیم «تأثیر میزان تحصیلات بر اعتیاد زنان»، «تأثیر نوع شغل بر اعتیاد زنان» و «تأثیر میزان درآمد خانواده بر اعتیاد زنان» استخراج شد. پاسخ‌های افراد مورد پژوهش، بیان‌کننده‌ی این بود که اکثر زنان مورد مطالعه از میزان تحصیلات اندکی برخوردار بودند. از نظر نوع شغل نیز اکثر زنان در مشاغل پایین و کم درآمد شاغل بودند و تعدادی نیز برای افزایش درآمد خود و تأمین هزینه‌ی مواد به سرقت، خرید و فروش مواد، تکدی‌گری و خودفروشی تن داده بودند. از نظر میزان درآمد خانوادگی نیز اکثر افراد مورد پژوهش در خانواده‌های کم درآمد زندگی می‌کردند. اظهارات افراد زیر بیان‌کننده‌ی موارد قبل است.

- زهرا خانمی ۳۵ ساله و بی سواد است و مدت ۱۵ سال، مواد مصرف کرده است. او درباره‌ی تأثیر تحصیلات بر اعتیاد زنان می‌گوید: «آدم باسواد، اطلاعاتش بالاست. تو دام مواد نمی‌افته، اگه هم بیفته چون سوادش را داره، خودش را نجات می‌ده». مفهوم ← (تأثیر تحصیلات در جلوگیری از مصرف مواد).

- راضیه ۳۵ ساله است. در یک مغازه فروشنده‌ی می‌کند و مدت ۱۵ سال است که مواد مصرف می‌کند. در مورد شغل خود می‌گوید: «در یک مغازه فروشنده‌ی می‌کردم، درآمد کم بود. برای تأمین مواد مجبور بودم، گدایی کنم». مفهوم ← (اقدام به تکدی‌گری برای تأمین هزینه‌ی مواد).

۲- تأثیر فرزند: این مقوله نیز از خلال مفاهیم «احساس ناراحتی به دلیل حضور در زندان و بی‌اطلاعی از وضعیت فرزندان»، «ترس از آلوده شدن فرزندان به مواد مخدر» و «جدا کردن فرزند از مادر معتاد و دل‌تنگی برای فرزندش» استخراج شد.

- زهره ۲۵ ساله و مدت ۵ سال است که مواد مصرف می‌کند و دارای یک فرزند است. او در این مورد می‌گوید: «می‌ترسم دخترم پس فردا مثل من بشه، اون وقت منا مقصر می‌دونه». مفهوم ← (ترس از آلوده شدن فرزندان به مواد مخدر).

۳) روابط نامناسب خانوادگی: مفاهیمی که این مقوله از آن‌ها استخراج شد، شامل «درگیری با همسر»، «درگیری والدین» و «روابط نامناسب والدین با فرزندان» است.

- کبری ۳۰ ساله و مدت ۱۵ سال است که کراک، شیشه و هروئین مصرف می‌کند. او می‌گوید: «ارتباطم با شوهرم خوب نبود. همیشه با هم درگیری و دعوا داشتیم. کتک‌کاری هم می‌کرد. همین برخوردش باعث شد، قید همه چی را بزنم و برم سراغ مواد و دوست معتاد.» مفهوم ← (درگیری و نزاع با شوهر).

ب- شرایط زمینه‌ای

۱- تأثیر قلمرو پژوهش: مشارکت کنندگان اظهار می‌داشتند، وقتی دستگیر می‌شدند، مسئولان زندان آنان را مجبور به ترک مواد می‌کردند و از روش‌های درمانی مانند متادون درمانی، برای ترک دادن آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

- راضیه ۳۵ ساله است و مدت ۱۵ سال است که مواد مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «این‌جا (زندان) مجبورمون می‌کنند، ترک کنیم. هر کی بیاد زندان تنها راهش ترک ماده» مفهوم ← (تأثیر زندان در ترک مواد)

۲- تأثیر مجازات زندان: این مقوله از مفاهیم «اعتقاد به عدم تأثیر مجازات زندان»، «تأثیر آموزه‌های منفی زندان»، «اثر مثبت مجازات» و «تأثیر مثبت مشاوره‌های زندان در ترک مواد» به‌دست آمد.

- سمیه ۴۰ ساله و مدت ۱۵ سال است که تریاک، هروئین، کراک و شیشه مصرف می‌کند. او در این زمینه می‌گوید: «توی زندان آدم هر جرمی را هم که بلد نباشه، یاد می‌گیره.» مفهوم ← (تأثیر آموزه‌های منفی زندان).

بنابراین پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تأثیر فرزند، روابط نامناسب خانوادگی، تأثیر قلمرو پژوهش و مجازات زندان از عوامل مداخله‌ای اثرگذار بر پدیده‌ی مصرف مواد مخدر در زنان در این پژوهش بوده است.

در پاسخ به این پرسش که شرکت‌کنندگان پژوهش چه راهبردهایی را در مقابل پدیده‌ی محوری پژوهش به کار گرفته‌اند؟ مقوله‌های زیر به دست آمد:

۱- **ترک مصرف مواد:** شرکت‌کنندگان پژوهش سه راهکار تغییر شرایط خانوادگی، تغییر شرایط فردی و قطع ارتباط با دوستان معتاد را در پیش می‌گرفتند. در دسته‌ی تغییر شرایط خانوادگی، مفاهیم اقدام به ترک دسته‌جمعی خانواده، تغییر مسیر درآمد خانواده از راه خلاف و تغییر محل سکونت خانواده وجود داشتند و در دسته‌ی تغییر شرایط فردی نیز مفاهیم طلاق از همسر معتاد، ترک خانه به دلیل اعتیاد شوهر، ترک خانواده‌ی آلوده وجود داشت. همچنین افرادی که دوستان معتاد را عامل اعتیاد خود می‌دانستند، راهکار قطع ارتباط با آنان را در پیش می‌گرفتند.

- اشرف ۴۰ ساله و مدت ۱۰ سال است که شیشه و تریاک مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «وقتی آزاد بشم، با شوهرم و بچه‌هام از این محل به شهر خودمون برمی‌گردیم، شوهرم را ترک می‌دم و یک شغل آبرومند هم پیدا می‌کنیم. توی محله‌ی ما تو شهر خودمون اصلاً خبری از مواد و معتاد نیست.» مفهوم ← (تغییر محل سکونت خانواده از منطقه‌ی آلوده) - شهلا زنی ۲۵ ساله است. او مدت ۵ سال است مواد مصرف می‌کند و در این مورد می‌گوید: «شوهرم معتاد بود، منم مجبور کرد مواد مصرف کنم. برا همین معتاد شدم. چاره‌ای جز این نداشتم که ازش طلاق بگیرم. اگه طلاق نمی‌گرفتم، نمی‌تونستم ترک کنم.» مفهوم ← (طلاق از همسر معتاد برای ترک مواد).

۲- **ادامه‌ی مصرف مواد:** عده‌ای از افراد مورد پژوهش، بیان می‌کردند که اگر شرایط آلوده و نامناسب بیرون از زندان برای آنان تغییر نکند، مجبور به تبعیت از شرایط نامطلوب موجود و ادامه‌ی مصرف مواد هستند. اینان خود را ناتوان از تغییر شرایط دانسته و در برابر شرایطشان منفعل بوده‌اند.

- صدیقه ۴۵ ساله است و مدت ۲۰ سال است که مواد مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «توی زندان چون مواد دم دستمون نیست ترک می‌کنیم، ولی وقتی میریم بیرون،

می‌بینیم شرایط بیرون دوباره مثل قبله، خانواده‌ی معتاد، محله‌ی معتاد، دوستان معتاد، این باعث می‌شه، دوباره رو بیاریم به مصرف مواد.» مفهوم ← (تبعیت از شرایط نامطلوب موجود و ادامه‌ی مصرف مواد).

با توجه به موارد بیان شده ترک مصرف مواد در صورت تغییر شرایط فردی و شرایط خانوادگی و همچنین قطع ارتباط با دوستان معتاد از راهکارهای به‌کار گرفته شده توسط زنان مورد پژوهش است. همچنین آنان در صورت عدم توانایی تغییر شرایط نامطلوب بیرونی راهکار ادامه‌ی مصرف مواد را برمی‌گزینند.

در پاسخ به این سؤال که پیامدهای تداوم مصرف مواد مخدر در زنان بر شرکت‌کنندگان پژوهش چه بوده است؟ مقوله‌های زیر به‌دست آمدند:

۱- ارتکاب انحرافات اجتماعی: این مقوله با توجه به چهار مفهوم « اقدام به سرقت، اقدام به تکدی‌گری»، « اقدام به خرید و فروش مواد مخدر» و « اقدام به خود فروشی برای تأمین هزینه‌ی مواد» به‌دست آمد.

- سارا ۲۵ ساله است و مدت ۵ سال است که تریاک و شیشه مصرف می‌کند. او در این زمینه می‌گوید: «در یک کارگاه کار می‌کردم. درآمد کم بود. بعضی وقتا برای خرج موادم گدایی هم می‌کردم.» مفهوم ← (اقدام به تکدی‌گری برای تأمین مواد).

۲- اشتغال به کار در مشاغل کم درآمد:

- شهین ۳۰ ساله است و مدت ۵ سال است که مواد مصرف می‌کند. او می‌گوید: «در یه رستوران کار می‌کردم. همون جا توی رستوران یه فردی بود که برام مواد می‌آورد و پولش را هم از مزدی که از رستوران می‌گرفتم، می‌دادم.» مفهوم ← (اشتغال به کار در مشاغل کم درآمد برای تأمین هزینه‌ی مواد).

۳- نامناسب شدن روابط خانوادگی: این مقوله شامل مفاهیم «درگیری و نزاع با شوهر»، «درگیری و نزاع والدین معتاد»، «سردی روابط مادر معتاد با فرزندان» و «عدم نظارت مادر معتاد بر فرزندان» است.

-فرشته ۲۰ ساله است و از ۱۶ سالگی مصرف مواد را شروع کرده است. او در این مورد می‌گوید: «مادرم با دوستاش توی خونه‌ی ما دور هم جمع می‌شدند و بزم و بساط برپا می‌کردند و مواد هم می‌کشیدند. بعضی وقتا منم کنارشون می‌نشستم و تماشااشون می‌کردم.

گاهی هم می‌کشیدیم. اما مادرم اصلاً مخالفت نمی‌کرد. هیچ‌وقت به من نمی‌گفت نکش. تقصیر او نه که معتاد شدم.» مفهوم ← (عدم نظارت مادر معتاد بر رفتار فرزندان).

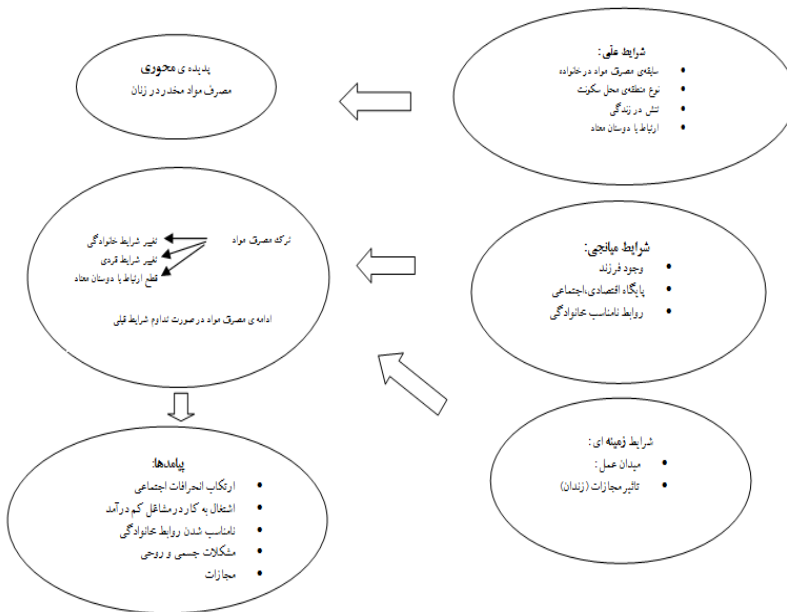
۴- **مشکلات جسمی و روحی:** این مقوله از مفاهیم «مشکلات جسمی» و «مشکلات روحی» استخراج شد.

- منیژه ۳۰ ساله و مدت ۸ سال است که مواد مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «هروقت شیشه مصرف می‌کردم، دچار توهم می‌شدم. یه بار به خاطر توهم ماشین دزدیدم.» مفهوم ← (توهم ناشی از مصرف مواد).

۵- **مجازات زندان:** بر طبق اظهارات افراد مورد پژوهش آنان نه به دلیل مصرف مواد، بلکه به دلیل انحرافات اجتماعی ناشی از مصرف مواد (سرقت، خرید و فروش مواد، تکدی‌گری، ارتباط نامشروع) دستگیر شده‌اند. زنان معتاد طبق گفته‌های خودشان برای تأمین مواد و هزینه‌های آن مجبور به انجام انحرافات اجتماعی شده‌اند.

- عفت ۳۰ ساله است و مدت ۱۵ سال است که مواد مصرف می‌کند. او در این مورد می‌گوید: «برای تأمین موادم فروشندگی هم می‌کردم. با فروش مواد پول موادم را درمی‌آوردم. یه دفعه وقتی داشتم مواد می‌فروختم، مأمور گرفتند.» (دستگیری به دنبال فروش مواد برای تأمین مواد مخدر مصرفی).

با توجه به مطالب بیان شده پیامدهای حاصله بر زنان معتاد به‌طور خلاصه شامل: ارتکاب انحرافات اجتماعی، اشتغال به کار در مشاغل کم درآمد، نامناسب شدن روابط خانوادگی، مشکلات جسمی و روحی و مجازات زندان به دنبال ارتکاب انحرافات اجتماعی بوده است.



شکل شماره‌ی یک- الگوی پارادایمی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که یکی از علل مهم روی‌آوری زنان به اعتیاد، آلوده بودن محیط خانوادگی فرد و مصرف مواد توسط اعضای خانواده است. طبق اظهارات افراد مورد پژوهش، پدر یا شوهری که خود معتاد هستند، به تدریج خانواده و همسر خود را نیز آلوده به مصرف مواد می‌کنند. نتیجه‌ی دیگر پژوهش، حاکی از نقش دوستان معتاد در روی آوردن زنان به اعتیاد است. در همین زمینه ساترلند بر این باور است که کج رفتاری یادگرفتنی است نه ارثی (صدیق سروستانی، ۱۳۸۶: ۴۹) و بیان می‌کند که بخش اصلی یادگیری کج رفتاری در فرآیند ارتباطات گروه‌های صمیمی و کوچک مثل گروه دوستان و خانواده اتفاق می‌افتد (خادمیان، ۱۳۸۸: ۱۰). نتایج به دست آمده در این قسمت با نتایج تحقیق (خادمیان، ۱۳۸۸)، تحقیق انجام شده در کرمان و تحقیق رحمتی (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸: ۲۵ و ۱۱) هم‌سو می‌باشد که اعتیاد اعضای خانواده و فشار دوستان را از عوامل اعتیاد در زنان برشمرده‌اند. دیگر نتیجه‌ی حاصل شده از پژوهش بیان‌کننده‌ی این است که اکثر شرکت‌کنندگان پژوهش

در مناطق آلوده و جرم‌خیز پایین شهر زندگی می‌کردند. آنان زندگی در منطقه‌ی آلوده و سهولت دسترسی به مواد را از دیگر عوامل اعتیاد خود بر می‌شمردند. شاو و مکی نیز چنین استدلال می‌کنند که رفتار انسان را می‌توان، بر حسب محیط شهری او تبیین کرد. بنا به نظر آنان در اثر توسعه‌ی شهرهای بزرگ، محله‌های مشخصی به وجود می‌آید که هر کدام شیوه‌های خاص زندگی خود را دارد (ستوده، ۱۳۸۹: ۱۵۳) و نواحی دارای میزان‌های بالای جرم به نظر می‌رسد که نواحی انتقالی درون شهر باشند. آنان عامل اصلی انحرافات در این ناحیه را ضعف کنترل اجتماعی به واسطه‌ی جابه‌جایی سریع و شدید جمعیت می‌دانند (موسی نژاد، ۱۳۸۷، ستوده، ۱۳۸۹). طبق اظهارات افراد پژوهش، اکثر آنان مهاجر بوده و به دلیل ارزانی مسکن در مناطق پایین و جرم‌خیز شهر، در آن نواحی ساکن شده‌اند و به علت استیصال مالی و نیافتن شغل به خرید و فروش مواد و به دنبال آن مصرف مواد روی آورده‌اند. این نتایج با نتایج تحقیقات پیرصالح و رحمتی (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸ : ۱۲-۱۱) هم‌سو است که در دسترس بودن مواد مخدر و مهاجرت را یکی از عوامل اعتیاد زنان برشمرده‌اند. از دیگر دلایل روی آوری زنان به اعتیاد در این پژوهش وجود انواع تنش در زندگی آنان بوده است. از نظر آگنیو نیز جرم نوعی سازگاری با تنش صرف نظر از منبع تنش است (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۱۳۱). این نتیجه با نتایج تحقیقات رحمتی و پیرصالح (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸ : ۱۲-۱۱) که به ترتیب مشکلات خانوادگی، شکست عشقی و مرگ عزیزان را مهم‌ترین عامل اعتیاد برشمرده‌اند، هم‌سو است. طبق اظهارات افراد مورد پژوهش احساس تعلق و وابستگی به فرزند مانع رفتن زنان به سمت مواد می‌شود و یا می‌تواند عاملی برای ترک مصرف مواد در آنان باشد. نتایج تحقیقی در ماساچوست در سال ۲۰۰۸ نیز نشان داد که افزایش احساس تعلق در زنان معتاد باعث می‌شود، بهتر فشارهای مرتبط با درمان اعتیاد و پس از آن را تحمل کنند (آروالو، ۲۰۰۸ : ۱۰). میزان تحصیلات پایین، مشاغل موقت و کم درآمد و میزان درآمد خانوادگی پایینی نیز از دیگر عوامل تداوم‌دهنده‌ی مصرف مواد در زنان مورد پژوهش بوده است. این نتیجه با نتایج تحقیق (خادمیان، ۱۳۸۸) و پیرصالح (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸ : ۱۲) هم‌سو است. بر این اساس هیرشی مدعی است، احساس تعلق خاطر یا دلبستگی موجب می‌شود فرد منافع دیگران را در هر کاری مدنظر داشته باشد و در هر امری که به آنان مربوط

می‌شود، مسئولانه عمل کند (موسی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۰۰). هم‌چنین پابندی و تعهد به موقعیت‌هایی که افراد کسب کرده‌اند؛ مثل: سوابق شغلی، دارایی‌ها و تحصیلات بالا مانع از کج‌رفتاری آن‌ها می‌شود. اما در پژوهش حاضر افراد مورد پژوهش از چنین موقعیت‌ها برخوردار نبوده‌اند که حفظ آن موقعیت‌ها و دستاوردها مانع از رفتن آنان به سمت مواد شود. این یافته‌ها با یافته‌های تحقیقات (خادمیان، ۱۳۸۸) و پیرصالح (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸: ۱۲) نیز هم‌سوئی دارد. آخرین نتیجه‌ی تحقیق حاضر حاکی از آن است که اکثر زنان مورد مصاحبه، روابط نامناسب خانوادگی، مانند: «درگیری و نزاع والدین»، «درگیری با شوهر»، «احساس سردی روابط والدین با فرزندان» و «عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان» را در زندگی خود تجربه کردند. نکته‌ی قابل توجه این است که روابط نامناسب خانوادگی هم به‌عنوان علت و هم معلول پدیده‌ی مصرف مواد مخدر در زنان مورد پژوهش گزارش شده است. این نتیجه نیز با نتایج تحقیق (خادمیان، ۱۳۸۸) و استفانی اس کوینگتن^۱ (۲۰۰۸) که میان اعتیاد و تمام اشکال خشونت (فیزیکی، جنسی، عاطفی) در زندگی زنان ارتباط برقرار می‌کند، هم‌سو است. نای نیز معتقد است، خانواده‌هایی که پر از تنش و اختلاف باشند، می‌توانند نقش مهمی در کج‌رفتاری نوجوانان ایفا کنند (خادمیان ۱۳۸۸: ۲۰). این نتیجه نیز با نتایج تحقیق رحمتی (به نقل از خادمیان، ۱۳۸۸: ۱۱) و (خادمیان، ۱۳۸۸) هم‌سوئی دارد. با توجه به یافته‌ها افرادی که خود را قادر به تغییر شرایط خانوادگی و فردی خود می‌دیدند، راهکار ترک مواد را در پیش می‌گرفتند و افرادی که خود را ناتوان از این امر می‌دانستند و در برخورد با شرایط خود منفعلانه عمل می‌کردند، راهکار ادامه‌ی مصرف مواد را در پیش می‌گرفتند. پیامد مصرف مواد در زنان، «اشتغال به مشاغل پایین و کم درآمد»، «انجام انحرافات اجتماعی (سرقت، خودفروشی، تکدی‌گری و خرید و فروش مواد) برای تأمین مواد یا هزینه‌ی آن»، «نامناسب شدن روابط خانوادگی» و «ایجاد مشکلات جسمی و روحی (توهم، لاغری، افسرده و پژمرده شدن ظاهر شخص و...)» بوده است. هم‌چنین علت اصلی دستگیری افراد مورد پژوهش نیز انجام انحرافات اجتماعی برای تأمین هزینه‌ی مواد است که از دیگر پیامدهای پدیده‌ی محوری است.

براساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود، بعد از شناسایی مصرف‌کنندگان و فروشندگان مواد مخدر اعضای خانواده‌های آنان شناسایی شوند و در صورت مصرف مواد مخدر توسط اعضای خانواده‌ی معتادان مخصوصاً بانوان، اقدامات و پیگیری‌های مناسب توسط ارگان‌های مربوط برای بهبود وضع معیشتی و ترک مصرف مواد در آنان انجام گیرد و راهکارهای مؤثرتری نیز برای پاکسازی مناطق آلوده به مواد مخدر صورت پذیرد. لازم است مطالعات چند رشته‌ای در زمینه‌ی علل اعتیاد صورت گیرد؛ زیرا اعتیاد معضلی است که عوامل گوناگون زیست‌شناختی، روانشناختی و جامعه‌شناختی در آن دخیل است. هم‌چنین بهتر است مطالعاتی به تفکیک گروه‌های سنی در این زمینه صورت گیرد و نتایج آن با هم مقایسه شود.

منابع

- ۱- آجیل چی، بیتا؛ نادری، امیر؛ قائمی، فاطمه (۱۳۸۸) «رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی زنان معتاد با نظم اجتماعی»، فصلنامه‌ی نظم و امنیت انتظامی سال دوم، شماره‌ی ۱۴.
- ۲- اصفهان فردا، ۲۲ آبان ۱۳۹۱، کد خبر ۳۸۴۵
- ۳- پناهی بروجنی، شعله (۱۳۷۴) «بررسی علل و عوامل اعتیاد در استان چهارمحال و بختیاری»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- ۴- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۰) «نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار»، مجله‌ی تعالی حقوق، سال سوم، شماره‌ی ۱۲.
- ۵- جهان نیوز، ۱۳ دی ماه ۱۳۸۹، ساعت ۸:۵۶
- ۶- خادیمان، طلیمه؛ قناعتیان، زهرا (۱۳۸۸) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد به مواد مخدر مراکز بازپروری و کاهش آسیب زنان شهر تهران (مراکز تولد دوباره، خانه‌ی خورشید)»، پژوهشنامه‌ی علوم اجتماعی، گرمسار، سال دوم، شماره‌ی ۴.
- ۷- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، تهران، شماره‌ی ۱۷.

۸- رحیمی موقر، آفرین؛ ملایری خواه لنگرودی، زهرا؛ دلبرپور احمدی، شهناز؛ امین اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۰) «بررسی کیفی نیازهای زنان برای درمان اعتیاد»، مجله‌ی روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال هفدهم، شماره‌ی ۲.

۹- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۹) *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.

۱۰- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۲) «شناسایی عوامل خطر ساز و تهدیدکننده‌ی سوء مصرف مواد مخدر، الکل و سیگار فرا راه دانش آموزان ۱۵ تا ۱۸ ساله شاغل به تحصیل»، *نامه‌ی علوم اجتماعی*، دوره‌ی دوم.

۱۱- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

۱۲- علی اکبری، محمد مهدی (۱۳۸۶) «نظریه‌ی ای زمینه‌ی ای برای جرم جنسی، مطالعه‌ی موردی مجرمین جنسی شهر اصفهان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

۱۳- فیضی، ایرج؛ علی بابایی، یحیی؛ رحمتی، محمد مهدی (۱۳۸۹) «بررسی تأثیر خانواده، دوستان و محله بر مصرف مواد مخدر»، *فصلنامه‌ی بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره‌ی ۴.

۱۴- قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۸۲) «از اعتیاد زنان تا نابسامانی خانواده»، *مطالعات کتاب زنان*، شماره‌ی ۲۲.

۱۵- گروسی، سعیده؛ محمدی دولت‌آبادی، خدیجه (۱۳۹۰) «تبیین تجربه‌ی زیسته‌ی زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده‌ی اعتیاد»، *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، سال دوم، شماره‌ی اول.

۱۶- مظلوم خراسانی، محمد (۱۳۸۵) *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ دوم.

۱۷- میری آشتیانی، الهام (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی اعتیاد در ایران امروز*، تهران.

۱۸- منصوریان، محمد کریم (۱۳۸۱) *روش پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی*، شیراز: انتشارات نوید.

۱۹- موسی نژاد، علی (۱۳۸۷) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش پسران نوجوان و جوان زندان اصفهان به مواد اعتیاد آور»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

۲۰- نجاری، فارس (۱۳۸۶) «بررسی اعتیاد در زنان معتاد مراجعه کننده به مراکز ترک اعتیاد تهران در سال ۸۵-۸۴»، مجله‌ی علمی سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، دوره‌ی ۲۵، شماره‌ی ۴.

21- Covington, Stephanie S. (2008) «Women and Addiction: A trauma-Informed Approach», **Journal of psychoactive Drugs**, SARC, Supplement 5, p377 -385.

22- Howell, EM; Heiser, N; Harrington M. (1999) «A review of recent findings on substance abuse treatment for pregnant women», **Journal of substance Abuse Treatment**, 16: pp 195-200.

23- Patton, Michael Quinn, (2002) **qualitative research and evaluation methods**. London: Sage.

24- Sandra Arévalo, Guillermo Prado. (2008) «Hortensia Amaro, Spirituality, Sense of Coherence, and coping Responses in Women Receiving Treatment for Alcohol and Drug addiction», **Journal Evaluation and Program Planning**, 31, 1, pp 113-123.

25- Tuchman, Ellen, V. (2010) «Women and Addiction: The Importance of Gender Issues in substance, Abuse Research», **Journal of Addictive Diseases**, Vol9, No .1 PP 127-130.

26- Wechsberg W.M, Luseno W, Ellerson R.M. (2008) «Reaching women substance Abuser in diverse settings: Stigma and access to treatment 30 years Later. Substance Use and Misuse», **Journal of Addictive Diseases**, 43, PP1277-79.

